**«در محضر مرجعیت»**

**سلسله جلسات علمی حضرت آیت الله العظمی شیرازی دام ظله در ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 (جلسه یازدهم)**

یازدهمین نشست علمی مرجع عالیقدر آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظله در شب های ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 با حضور جمعی از شخصیت های علمی، نمایندگان مراجع عظام تقلید، فعالان دینی و فرهنگی و طلاب علوم دینی، در شامگاه روز سه‌شنبه دهم رمضان المبارک ۱۴۴6 در بیت مرجعیت شهر مقدس قم برگزار شد.

مشروح مباحث مطرح شده در این نشست به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم، وله الحمد

پرسش: آیا استخاره در مورد امور مستحب هم صحیح است؟

پاسخ: در مورد استخاره، روایات فراوانی از ائمه معصومین علیهم‌السلام روایت شده است و اطلاقات استخاره این موارد را نیز شامل می‌شود؛ البته استخاره به شیوه‌هایی که در روایات شریفه وارد شده، مستحب است.

اما در استخاره به معنای طلب خیر، مرحوم صاحب عروه می‌فرماید: «الاستخارة بمعنى طلب الخير من ربه و مسألة تقديره له عند التردد في أصل السفر أو في طريقه أو مطلقاً، والأمر بها للسفر وكل أمر خطير أو مورد خطر مستفيض، ولا سيما عند الحيرة والاختلاف في المشورة، وهي الدعاء لأن يكون خيره فيما يستقبل أمره. وهذا النوع من الاستخارة هو الأصل فيها، بل أنكر بعض العلماء ما عداها مما يشتمل على التفؤل والمشاورة بالرقاع والحصى والسبحة والبندقة وغيرها لضعف غالب أخبارها، وإن كان العمل بها للتسامح في مثلها لا بأس به أيضاً، بخلاف هذا النوع لورود أخبار كثيرة بها في كتب أصحابنا، بل في روايات مخالفينا أيضاً عن النبي صلى الله عليه وآله الأمر بها والحث عليها.» (العروة الوثقى، ج۳، ص۲۷۶/ مقدمه در آداب سفر و مستحبات آن).

پرسش: آیا ابتلاع اخلاط سینه از فضای دهان مبطل روزه است؟

پاسخ: اگر خلط وارد دهان نشود، به فتوای تمام فقها، باعث بطلان روزه نمی‌شود. همچنین اگر داخل فضای دهان آمد و انسان بی‌اختیار آن را بلعید، باز هم به فتوای تمام فقها، روزه باطل نمی‌شود. اما اگر وارد فضای دهان شد و شخص روزه‌دار با اختیار آن را بلعید، عده‌ای از فقها فتوا داده‌اند که روزه باطل می‌شود و عده‌ای هم بیان کرده‌اند که احتیاطاً روزه باطل می‌شود.

مرحوم صاحب عروه می‌فرماید: «لا بأس بابتلاع ما يخرج من الصدر من الخلط وما ينزل من الرأس ما لم يصل إلى فضاء الفم، بل الأقوى جواز الجر من الرأس إلى الحلق وإن كان الأحوط تركه. وأما ما وصل منهما إلى فضاء الفم فلا يترك الاحتياط فيه بترك الابتلاع.» (العروة الوثقى، ج۳، ص۱۷/ فصل در آنچه باید از آن امساک کرد، م۳).

البته اینکه صاحب عروه فرموده: «فلا يترك الاحتياط»، به نظر می‌رسد احتیاط در اینجا لازم نیست، بلکه احتیاط مستحب است.

ممکن است گفته شود: تمامی موضوعات فقه انصراف به مصادیق متعارف دارند، در حالی که بلعیدن خلط عرفاً أکل و شرب به حساب نمی‌آید، ولی مبطل روزه است.

در پاسخ گفته می‌شود: تمامی مطلقات منصرف به مصادیق متعارفه است، به استثنای أکل و شرب در صوم، که از ادله استفاده می‌شود، حتی مصادیق غیر متعارفۀ آن نیز مبطل روزه است.

اگر گفته شود: وارد شدن دود غلیظ به حلق نیز مصداق أکل و شرب نیست.

در پاسخ گفته می‌شود: همانطور که گذشت، همه مطلقات منصرف به مصادیق متعارف است، جز در أکل و شرب در روزه، و دخان غلیظ هم از مفطرات است با توجه به روایت: «إِذَا تَمَضْمَضَ الصَّائِمُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَوِ اسْتَنْشَقَ مُتَعَمِّداً أَوْ شَمَّ رَائِحَةً غَلِيظَةً أَوْ كَنَسَ بَيْتاً فَدَخَلَ فِي أَنْفِهِ وَ حَلْقِهِ غُبَارٌ فَعَلَيْهِ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فَإِنَّ ذَلِكَ لَهُ مُفَطِّرٌ مِثْلُ الْأَكْلِ وَ الشُّرْبِ وَ النِّكَاحِ» (وسائل الشیعه، ج۱۰، ص۶۹/ الباب ۲۲، ح۱)، که با توجه به ضعف سندی که دارد، اما فقها به آن روایت عمل کرده‌اند و فتوا داده‌اند، ضعف سند آن به سبب عمل ایشان جبران شده است و حجّت می‌باشد.

مرحوم صاحب عروه در ضمن مفطرات صوم می‌فرماید: «السادس: إيصال الغبار الغليظ إلى حلقه، بل وغير الغليظ على الأحوط، سواء كان من الحلال كغبار الدقيق أو الحرام كغبار التراب ونحوه، وسواء كان بإثارته بنفسه بكنس أو نحوه أو بإثارة غيره، بل أو بإثارة الهواء مع التمكين منه وعدم تحفظه. والأقوى إلحاق البخار الغليظ ودخان التنباك ونحوه، ولا بأس بما يدخل في الحلق غفلة أو نسياناً أو قهراً أو مع ترك التحفظ بظن عدم الوصول ونحو ذلك.» (العروة الوثقى، ج۳، ص۲۴/ فصل در آنچه باید از آن امساک کرد/ السادس).

البته اینکه ایشان فرموده: «إيصال الغبار الغليظ»، بنابر احتیاط وجوبی است.

و اینکه ایشان فرموده‌اند: «غير الغليظ على الأحوط»، سزاوار است این احتیاط ترک نشود.

پس باید دانست اگر شارع بر موضوعی یک تعریف خاصی را بیان کرده باشد، در این صورت دیگر به عرف مراجعه نمی‌شود.

بنابراین شارع مقدس موضوع مفطر را بیان کرده است که اگر حتی غبار وارد حلق شود، باعث بطلان روزه می‌شود، اگرچه عرفاً أکل و شرب به حساب نمی‌آید. کما اینکه شخص روزه‌دار اگر یک دهم از یک دانه گندم را بلعید، بنابراین قاعدۀ کلی در مفطرات روزه، روزۀ او باطل می‌شود، و یا اینکه اگر همان مقدار را به حلق برساند بدون اینکه به معده برسد و آن را از حلق خارج کند، باز هم با اینکه عرفاً أکل و شرب به حساب نمی‌آید، اما باز هم باعث بطلان روزه‌اش می‌شود.

مرحوم صاحب عروه می‌فرماید: «الأول والثاني: الأکل والشرب من غير فرق في المأکول والمشروب بين المعتاد كالخبز والماء ونحوهما، وغيرهما كالتراب والحصى وعصارة الأشجار ونحوها، ولا بين الكثير والقليل، كعشر حبة الحنطة أو عشر قطره من الماء أو غيرها من المائعات، حتى أنه لو بل الخياط الخيط بريقه أو غيره ثم رده إلى الفم وابتلع ما عليه من الرطوبة، بطل صومه إلا إذا استهلك ما كان عليه من الرطوبة بريقه على وجه لا يصدق عليه الرطوبة الخارجية. وكذلك لو استاک وأخرج المسواك من فمه وكان عليه رطوبة ثم رده إلى الفم، فإنه لو ابتلع ما عليه، بطل صومه إلا مع الاستهلاک على الوجه المذكور. وكذلك يبطل بابتلاع ما يخرج من بقايا الطعام من بین أسنانه.» (العروة الوثقى، ج۳، ص۱۶/ فصل در آنچه باید از آن امساک کرد/ الأول والثاني).

پرسش: آیا همان‌گونه که دود دخانیات باعث بطلان روزه می‌شود، دود غذا هم باعث بطلان روزه می‌شود؟

پاسخ: مطلق دود اگر غلیظ باشد و عمداً به حلق انسان برسد، باعث بطلان روزه می‌شود و فرقی هم بین انواع دود غلیظ وجود ندارد.

اگر گفته شود: دود غلیظ که غذا نیست، پس چگونه ممکن است روزه را باطل کند؟

در پاسخ گفته می‌شود: رفتن دود به حلق از باب أکل و شرب نیست، بلکه با توجه به روایتی که بیان شد، خود وصول غبار به حلق باعث بطلان روزه می‌شود و در روایت هم بیان شده است: «دخل الغبار» و فقها با فهم عدم خصوصیت نسبت به غبار غلیظ، این حکم را به دود نیز سرایت داده‌اند.

پرسش: توکل کردن بر خدای متعال به چه معناست؟

پاسخ: یعنی انسان در کارهایش به خدای متعال اعتماد کند و آرامش به دست بیاورد. مثلاً اگر یک جوانی بخواهد ازدواج کند و پول نداشته باشد و شخص غنی و پولداری به او بگوید تمامی مخارج ازدواج تو را بر عهده می‌گیرم، در این حالت شخص جوان فقیر به این شخص اعتماد می‌کند و این کار باعث آرامشش می‌شود. انسان هم باید در دنیا و آخرت به خدای متعال توکل کند، به این معنا که به خدای متعال اعتماد کند و این کار باعث آرامش در انسان می‌شود.

پرسش: با توجه به اینکه سجده بر هر چیزی که از زمین بروید بدون اینکه خوراکی و یا پوشیدنی باشد، جائز است، با فضیلت‌ترین چیزی که انسان می‌تواند بر آن سجده کند، چیست؟

پاسخ: با توجه به روایت مشهور از امام حسن عسکری علیه‌السلام، می‌فرماید: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخَتُّمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.» (وسائل الشیعه، ج۱۴، ص۴۷۸/ الباب ۵۶، ح۱)، یکی از علامات مؤمن سجده بر خاک است.

البته لازم به ذکر است که مراد از «وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ»، پیشانی بر خاک گذاشتن است؛ و همان‌گونه که در کتب لغت با شواهد شعری آمده: «قد وَرَدَ الجَبِينُ بمعْنَى الجَبْهَة لعلاقَةِ المُجاوَرَة.» (تاج العروس، ج۱۸، ص۱۰۲/ جبن).

و اما با فضیلت‌ترین خاک برای سجود، تربت پاک حضرت سید الشهداء علیه‌السلام می‌باشد (ر.ک: وسائل الشیعه، ج۵، ص۳۶۵/ الباب ۱۶).

پرسش: با توجه به اینکه در ذبح باید چهار رگ به صورت هم‌زمان بریده شود، اگر یک گوسفند دو رگش را گرگ بریده باشد، آیا می‌توان آن را ذبح شرعی کرد؟

پاسخ: نه، در این صورت حیوان، میته شده است. با اینکه روایتی وجود دارد که اگر دو رگش بریده باشد، کفایت می‌کند، ولی این روایت مورد اعراض فقها واقع شده است. ایرادی ندارد؛ ولی این روایت به جهت اعراض فقها از حجیت ساقط بوده و نمی‌توان به آن عمل کرد.

پرسش: فرق میان موضوعات صرفه و موضوعات مستنبطه در چه چیزی می‌باشد؟

پاسخ: اگر در موضوع حکم شرعی هیچ اختلافی صورت نگرفته باشد، آن موضوع حکم شرعی، موضوع صرفه می‌باشد و باید به عرف مراجعه شود. ولی اگر موضوع حکم شرعی مورد اختلاف بین فقها قرار گرفت، در این صورت موضوع حکم شرعی مستنبط می‌باشد و باید به مجتهد رجوع شود، همانطور که در تمامی موضوعات فنی به متخصص آن رجوع می‌شود، در موضوعات فقهی که مورد اختلاف واقع شده است، به متخصصین آن که مجتهدین می‌باشند باید مراجعه شود.

پرسش: آیا می‌توان بیان کرد که در موضوعات اگر شبهه مفهومی بود، در این صورت موضوع مستنبط می‌باشد و باید به مجتهد رجوع شود، اما اگر شبهه در مصداق بود، در این صورت باید به عرف مراجعه شود؟

پاسخ: اگر شبهه در مفهوم بود، هیچ شکی وجود ندارد که باید به مجتهد رجوع شود. اما بحث در این است که اگر شبهه در مصداق باشد، وظیفه مکلف چیست؟ که بیان شده است اگر مصداق از موضوعات صرفه بود، در این صورت به عرف مراجعه می‌شود و اگر از موضوعات مستنبطه بود، به مجتهد رجوع می‌شود.

پرسش: آیا شخصی که به سبب مریضی روی صندلی نماز می‌خواند، هنگام سجده لازم است که نوک انگشتان پایش را روی زمین قرار دهد؟

پاسخ: با توجه به اینکه وجوب قرار دادن هفت عضو از اعضای بدن در سجده انصراف دارد به شخصی که به طور عادی نماز می‌خواند، در این صورت بر چنین شخصی واجب نیست که نوک انگشتان پایش را روی زمین قرار دهد.

پرسش: آیا شخصی که روی صندلی نماز می‌خواند لازم است مهر را روی پیشانی‌اش قرار دهد؟

پاسخ: عده‌ای از فقها بیان کرده‌اند که بر چنین شخصی اصلاً واجب نیست که مهر را بر پیشانی قرار دهد، اما اگر مهر به پیشانی رساندن میسور سجده محسوب شود، ممکن است گفته شود لازم است که از باب قاعده میسور مهر را روی پیشانی‌اش قرار دهد.

اگر گفته شود: قاعده میسور قاعده تامی نمی‌باشد و مثلاً اگر شخصی بتواند تا ظهر روزه بگیرد، بنا بر قاعده میسور باید تا ظهر روزه بگیرد، در حالی که هیچ‌یک از فقها بیان نکرده‌اند که چنین شخصی لازم است تا ظهر روزه بگیرد.

در پاسخ گفته می‌شود: در همه ابواب فقه، قاعده میسور جریان دارد، مگر اینکه با دلیل خاصی از مورد قاعده میسور خارج شده باشد، همچون روزه، وضو و غسل.

لازم به ذکر است که با اینکه سند روایاتی که بیانگر قاعده میسور هستند ضعیف است، اما با توجه به عمل فقها، ضعف سند آن‌ها جبران می‌شود. حتی فقهایی که قاعده میسور را در برخی از مواضع از کتب فقهی شان قبول نکرده‌اند، اما در مواضع متعدد از مباحث در کتبشان به قاعده میسور استناد کرده‌اند.

پرسش: با توجه به اینکه دو روایت: «لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي مَسْجِدِهِ» (وسائل الشیعه، ج 5، ص 194) و «لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهُور» (وسائل الشیعه، ج 1، ص 315) هر دو با یک لسان در یک موضوع بیان شده‌اند، چگونه نفی در یکی را حقیقی می‌دانید و نفی در مورد دیگر را مجازی می‌دانید؟

پاسخ: همانگونه که در جلسات گذشته بیان شد، با توجه به قرائن و ادله دیگری که وجود دارد، به این صورت حمل می‌شود و از این گونه موارد در فقه بسیار زیاد است. کما اینکه در قرآن کریم کلمه کفر به سه معنای: کفر به خدا، ترک واجبات و ترک شکرگزاری بیان شده است.

پرسش: در نماز جماعت اگر مأموم قبل از امام جماعت به رکوع و سجده برود و یا سر از رکوع و سجده بردارد، آیا نمازش باطل است؟

پاسخ: متابعت از امام جماعت در افعال لازم است، پس عمداً نباید قبل از امام به رکوع یا سجده برود. جماعتش باطل می‌شود و ثواب نماز جماعت را به این شخص نمی‌دهند، اما نمازش باطل نیست و نیاز نیست نماز را اعاده کند.

ممکن است گفته شود: با توجه به اینکه جماعتش باطل می‌شود و حمد و سوره را نیز قرائت نکرده است، باید بیان کرد که اصل نمازش نیز باطل است.

در پاسخ گفته می‌شود: این امور معمولاً توسط عوام از مردم صورت می‌پذیرد و عمدی نیست؛ گذشته از آنکه بنابر قاعده «لاتعاد» اصل نمازش صحیح است و فقط مستفاد از ادلّه این است که جماعتش باطل می‌شود.

پرسش: آیا قبل از اذان و داخل شدن وقت نماز واجب می‌توان وضوء گرفت و با آن وضوء بعد از اذان نماز واجب را ادا کرد؟

پاسخ: بله، صحیح است.

پرسش: اگر جنازه‌ای را پیدا کردند که ندانستند مسلمان است یا کافر، وظیفه چیست؟

پاسخ: مرحوم صاحب عروه می‌فرماید: «إذا اشتبه المسلم بالكافر، فإن كان مع العلم الاجمالي بوجود مسلم، وجب الاحتياط بالتغسيل والتكفين وغيرهما للجميع. وإن لم يعلم ذلك، لا يجب شيء من ذلك. وفي رواية يميز بين المسلم والكافر بصغر الآلة وكبرها، ولا بأس بالعمل بها في صورة العلم الاجمالي، والأحوط إجراء أحكام المسلم مطلقاً بعنوان الاحتمال وبرجاء كونه مسلماً.» (العروة الوثقى، ج۱، ص۳۶۲، م۱۰).

البته اینکه ایشان فرموده: «إذا اشتبه المسلم»، به نظر می‌رسد این مسئله در مورد غیر شهید است.

و اینکه فرموده‌اند: «لا يجب شيء من ذلك»، به نظر می‌رسد این فرض در صورتی است که در بلد اسلام نباشد و امارات مسلمان بر او نباشد.

و اینکه فرموده‌اند: «و لا بأس»، این روایت حمل بر قضیۀ خارجیه می‌شود.

البته چنین شخصی را در صورت امکان در مکانی غیر مقبرۀ مسلمانان و مقبرۀ کفار دفن می‌کنند.

ممکن است گفته شود: می‌توان بیان کرد فرق است بین زن و مرد و اگر مردی ختنه کرده باشد، می‌شود حکم کرد که شخص مسلمان است و اگر ختنه نکرده باشد، حکم کرد شخص کافر است.

در پاسخ گفته می‌شود: همانگونه که گذشت، دلیل این فرمایش به نظر می‌رسد قضیۀ خارجیه است نه قضیۀ واقعیه. پس صرف ختنه نکردن دلیل بر این نیست که شخص کافر است، زیرا ممکن است مسلمانی از جهت لاابالی‌گری ختنه نکرده باشد و کافر نیز به جهتی از جهات ختنه کرده باشد.